

"کار" و "فراغت" ایرانیان

حسن قاضی مرادی



کتاب آمه

سرسناسه	: قاضی مرادی، حسن، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: 'کار و فراغت ایرانیان' / حسن قاضی مرادی.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.
شابک	: ISBN 978-600-5757-33-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: چاپ قبلی: اختران، ۱۳۸۶
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	: اوقات فراغت -- ایران.
موضوع	: کسب و کار -- ایران.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۲۲ ق / ۷۱۲۷ G
رده بندی دیویی	: ۷۹۰ / ۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۶۹۲۷۸



کتاب آمه

'کار' و 'فراغت' ایرانیان

نویسنده: حسن قاضی مرادی

hassan.ghazimoradi@yahoo.com

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ سوم (اول ناشر): ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شماره نشر: ۶۵

چاپ: فرشویه — صحافی: بهمن

بلوار کشاورز - نبش کارگر - پلاک ۳۰۸ تلفن: ۶۶۹۳۹۲۴۵ - تلفن پخش: ۶۶۴۸۳۰۷۴

email: amehbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۷-۲۳-۰

کلیه حقوق محفوظ است

بها: ۶۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار چاپ دوم
۹	پیش‌گفتار
۱۵	فصل اول: در معنای کار و فراغت
۱۵	در معنای کار
۱۸	کار در تمایز با زحمت و اشتغال
۱۹	در معنای فراغت
۲۳	فراغت در تمایز با سرگرمی‌خواهی
۲۷	فصل دوم
	بخش اول: بیگانگی کار و فقدان اشتیاق به کار
۲۷	در میان ایرانیان
۲۷	عوامل اقتصادی
۵۶	عوامل سیاسی
۸۱	عوامل اجتماعی
۱۰۲	عوامل حقوقی
۱۱۵	عوامل فرهنگی
۱۳۸	عوامل روانشناختی
	بخش دوم: بیگانگی فراغت و فرهنگ سرگرمی‌خواهی
۱۴۹	در میان ایرانیان
۱۵۰	برخی ویژگی‌های فرهنگ سرگرمی‌خواهی
۱۶۲	برخی کارکردهای فرهنگ سرگرمی‌خواهی
۱۷۸	تلویزیون به عنوان مهم‌ترین وسیله‌ی سرگرمی‌خواهی
۱۸۱	پی‌گفتار: کار و فراغت رهایی‌بخش

پیش‌گفتار چاپ دوم

این چاپ جز در دو مورد تفاوتی با چاپ نخست ندارد: اول این که برخی از مطالب فصل اول کتاب به پی‌گفتار منتقل شد تا از حجم مطالب نظری در این فصل کاسته شود. دوم این که در چاپ نخست، موضوع "سازمان‌نیافتگی کار" در ایران به عنوان عامل اجتماعی عدم اشتیاق به کار طبقه‌بندی شده بود. چون این موضوع به عنوان مؤلفه‌ای از حقوق کار و جبهی از "عوامل حقوقی" مربوط به کار را تشکیل می‌دهد، در این چاپ به عوامل مختلف عدم اشتیاق به کار در میان ایرانیان، عنوان "عوامل حقوقی" نیز اضافه شد تا با جامعیت بیشتری به این نوع عوامل و نقش آن در موضوع کار پرداخته شود.

پیش‌گفتار

پرداختن به موضوع کار و فراغت، پرداختن به دو مهم‌ترین ویژگی هویت انسانی است؛ هویتی که هستی از پیش تعیین شده‌ای نیست، بلکه از طریق کار و فراغت است که خلق و تثبیت می‌شود، می‌گسترده و تعالی می‌یابد.

با کار بود که بشر بر پای خویش ایستاد و خود را از اسارت طبیعت رهانید و از هویت انسانی برخوردار شد و "آزادی" را خلق کرد. کار توانمندی‌ها و استعدادهای خلاق و مولد انسان را به منظور رفع نیازهای او به تحقق درآورد و این توانمندی‌ها و استعدادها را، آن هم در روند مشارکت اجتماعی، گسترانید و تعالی بخشید. کار، بیش از همه، تجلی اراده‌ی انسان در انتخاب‌های جسورانه‌ای است که به واسطه‌ی شناخت‌اش از طبیعت و جامعه‌ی انسانی به آنها چنگ می‌زند و با تحقق آنها، یعنی با تحقق و بازتولید خود، حوزه‌ی انتخاب‌ها یا آزادی‌اش را می‌گسترده.

با رشد نیروی کار، اعتلای علوم و فناوری و نیز گذار از اقتصاد معیشتی به اقتصاد کالایی بود که زمان فراغت از زمان کار متمایز شد. پس، انسان فرصت یافت تا در فعالیت‌های خود-انگیخته‌ی زمان فراغت به دلخواست‌ها و اشتیاقات خویش بپردازد و از این طریق، به نوعی، متفاوت از فعالیت‌های زمان کار، به خود-بیانگری و خود-تعالی بخشی‌اش اقدام

کند. فعالیت‌های زمان فراغت مجموعه‌ی فعالیت‌هایی است که به منظور دفاع از حق خود-انگیختگی و عمل مستقلانه، برای پس زدن مرزهای محدود کننده و تجویزگرانه و اجباری، در پرداختن فرد به هنر، علم، فرهنگ، سیاست، ورزش و... بازی انجام می‌گیرد و فرصت زندگی فرد را می‌گستراند؛ گسترشی که به معنای رهایی و آزادی است.

کار و فراغت، که عمده‌ی فعالیت‌های فکری، عملی و عاطفی انسان را دربر می‌گیرند، تجلی خود-شکوفایی انسان‌اند. همچنان که کار، فراغت نیز حوزه‌ی تحقق استعدادها و افزایش توانمندی‌های فرد است. پس، به هر میزان که فرد بتواند استعدادها و توانمندی‌هایش را محقق کند و بگستراند به همان میزان حوزه‌ی آزادی زندگی‌اش را گسترانیده است. هر حد یکپارچگی و انسجام زندگی فرد، که باید بنیان خود-شکوفایی‌اش قرار گیرد، مستلزم پیوند کار و فراغت در زندگی اوست. کار، حق ایجاد می‌کند و فراغت، استقلال و خود-انگیختگی. پس، هر دو برانگیزنده‌ی مسئولیت‌پذیری‌اند. همین مسئولیت‌پذیری است که فرد را به طغیان آگاهانه علیه شرایط نانسانی تحمیل شده به خود سوق می‌دهد. زمینه و بستر هر مبارزه‌ی راستینی کار و فراغت است. بزرگی انسان با نتایج کارش و نیز محتوای فراغت‌اش سنجیده می‌شود. کار تجلی زندگی و هویت فرد و فراغت تثبیت این دو است. کار و فراغت شمایل انسان‌اند.

این رساله شرحی است درباره‌ی چیستی و چگونگی "کار" و "فراغت" در جامعه‌ی ما و نیز شامل اشاره‌هایی است به چرایی‌ها. پرداختن به این مسئله‌ی اساسی است که اگر باید گفت کار و فراغت شمایل انسان‌اند، چرا ما چندان کار نمی‌کنیم؛ همچنان که، پیامد آن، چندان هم به فراغت نمی‌پردازیم. این بی‌اشتیاقی ما به کار و گریزمان از فعالیت‌های زمان فراغت از کجا ناشی می‌شود، چه بروزاتی می‌یابد و چه نتایجی به بار می‌آورد.

بر این باورم که ریشه‌ی این امر در بیگانگی کار و فراغت در میان ما است؛ همچنان که معتقدم که این بیگانگی - تا حدی - از بیگانگی کار و فراغت در جوامع غربی متمایز است. بیگانگی کار در میان ما، عمدتاً، در زحمت و اشتغال آشکار می‌شود و بیگانگی زمان فراغت در سرگرمی-خواهی. علاوه بر این، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... روانشناختی بسیاری بوده‌اند که در بی‌اشتیاقی ما به کار و انفعال‌پذیری مان در زمان فراغت مؤثر بوده‌اند، که در پاسخ به چیستی و چگونگی کار و فراغت در جامعه‌ی ما باید مورد تأمل قرار گیرند.

در فصل اول، با ارائه‌ی تعریفی از کار و فراغت به معرفی زحمت و اشتغال و نیز سرگرمی‌خواهی به عنوان اشکال بیگانه‌شده‌ی آنها پرداخته‌ام. هرچند از کل رساله برمی‌آید برای کار جامعیتی قابل‌ام که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های فکری، عملی و عاطفی انسان را در بر می‌گیرد، اما در این فصل و نیز در ادامه، کار را در معنای محدودتر آن، عمدتاً، در فعالیت‌های خدماتی و تولیدی مطرح کرده‌ام.

در فصل دوم، در دو بخش، نخست به بررسی عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز روانشناختی پرداخته‌ام که در کل تاریخ ایران همچون موانعی در برانگیختن تمایل ایرانیان به کار مؤثر بوده‌اند. در این بخش کوشیده‌ام نشان دهم که این عوامل اگر در بی‌انگیزگی ما به کار عملی مؤثر بوده‌اند، تنها به اشکال متفاوتی، ممکن بوده است که ما را از جسارت ورزیدن به کار فکری نیز بازدارند. در بخش دوم این فصل نیز برخی ویژگی‌ها و کارکردهای فرهنگ سرگرمی‌خواهی را، آن‌گونه که در میان ما بروز یافته است، طرح کرده‌ام.

خواننده به وضوح درمی‌یابد که بین این دو بخش فصل دوم چه از نظر ساختار و شیوه‌ی پرداختن به موضوع و چه از نظر حجم مطالب ناهماهنگی وجود دارد. در توضیح این ناهماهنگی به همین بسنده می‌کنم که کار در جوامع انسانی امری قدیم است و پرداختن به جایگاه آن در

جامعه‌ی ما و علل چنین جایگاهی پیشینه‌ای طولانی دارد. در حالی که فراغت در جامعه‌ی انسانی امری جدید است و، از این رو، پرداختن به جایگاه آن در جامعه‌ی ما و علل چنین جایگاهی موضوع تحقیقی جدیدی است. در عین حال، در پرداختن به وضعیت زمان فراغت در جامعه‌ی ما، این هدف را نداشتیم که به بررسی میدانی و آماری از چگونگی گذران اوقات فراغت و تحلیل نتایج به دست آمده بپردازیم؛ همچنان که در بخش اول نیز با چنین رویکردی به موضوع کار در جامعه نپرداخته‌ام.

در پی گفتار با تأکید بر نقش رهاندگی کار و فراغت اشاره‌هایی به این مسئله داشته‌ام که در شرایط کنونی جامعه، ما به عنوان مردمان در حال گذار به تجدّد (مدرنیته) چه ادراکی از خصلت رهاندگی کار و فراغت و در نتیجه، چه رویکردی به چنین ادراکی می‌توانیم و باید داشته باشیم.

در این نوشته، به منظور جلوگیری از افزایش حجم مطالب از منابع و مآخذ معدودی استفاده کرده‌ام. حتی برخی از ارجاع‌ها را، که عموماً نقش روشنگری مطالب متن را دارند، به صورت زیرنویس آورده‌ام تا خواننده مختار باشد آنها را بخواند یا نه. هرچند در آثار کلاسیک فارسی می‌توان به وفور مستنداتی در تأیید بی‌اشتیافی ما به کار یافت، همچنین در این آثار، از پیش از اسلام تا بعد، می‌توان شواهدی در تأیید کار و ترغیب به کار نیز یافت. از آنجا که معتقدم این نوع دستورالعمل‌ها که، بیشتر، ماهیت پند و اندرز داشته‌اند کمتر در جامعه‌ی ایران متحقق شده‌اند از آوردن این دسته شواهد خودداری کرده‌ام. توجه بیشتر به آثار بیگانگانی که از ایران بازدید کرده و دریافت‌های‌شان از جامعه‌ی ایران را ثبت کرده‌اند به این دلیل بوده است که آنان بیش از خود ما به چنین موضوعاتی توجه نشان می‌داده‌اند.

این رساله از به هم پیوستن، بازبینی و گسترش دو مقاله‌ی پیش‌منتشر شده فراهم آمد. دو قسمت از مقاله‌ی نخست با نام "ضعف اشتیاق به کار در میان ایرانیان" در سال ۱۳۷۹ در روزنامه‌ی عصر آزادگان و تا پیش از توقیف آن به چاپ رسید. مقاله‌ی دوم نیز با نام "فرهنگ سرگرمی‌خواهی" در سال ۱۳۸۵ در دو شماره‌ی روزنامه‌ی شرق منتشر شد.

لارم من‌بینم از دقت ژرف و همراهی دوستانه‌ی خانم مدبّر در بازخوانی و تصحیح متن سپاسگزاری کنم. همچنان که از توجه مشفقانه‌ی خانم رمزی در تالیف متن و نیز پیگیری‌های رفاقت‌آمیز دیگر همکارانم در نشر اختران متشکرم.